



فصلنامه علمی - پژوهشی اخلاقی پژوهی

سال سوم • شماره هفتم • تابستان ۱۳۹۹

Quarterly Journal of Moral Studies
Vol. 3, No. 7, Summer 2020



اخلاق پژوهش

در مرحله دستیابی به نتیجه

محمد رضا جباران*

چکیده

در همه حوزه‌ها، اصول اخلاقی بر اصول نظری و اصول نظری بر مبانی فرانظری تکیه دارند و به همین دلیل، کنش‌گر در صورتی به یک اصل اخلاقی ملتزم می‌شود که آن اصل و اعتقاد از بینش‌های نظری و پارادایمی او برآمده باشد. اصول نظری اخلاق در مرحله دستیابی به نتیجه با دیگر مراحل پژوهش متفاوت است و به تبع، اصول اخلاقی پژوهش در این مرحله با دیگر مراحل پژوهش متفاوت است. این اصول نظری اقتضا دارند که پژوهنده در این مرحله، جانب مردم را بگیرد و مطابق با سود آن‌ها نتیجه خود را منتشر یا کتمان کند و فعل و رفتاری انجام دهد که جامعه از حاصل پژوهش او بیشترین منفعت و کمترین زیان را ببرد. بنابراین، پژوهشگر هنگام رسیدن به نتیجه پژوهش، از نظر اخلاقی موظف است اگر نتیجه کارش را برای جامعه انسانی زیان‌بار می‌داند، به صورتی آن را از دسترس خارج کند که راه زیان بسته شود و اگر چنین نیست، بدون هراس، به زبانی آشنا، با دقّت و امانت‌داری نتیجه را منتشر کند و برای پذیرفتن نقدهای عالمان متظر بماند. این تحقیق در صدد است اصول نظری اخلاق این مرحله را به دست آورد و اصول اخلاقی آن را تدوین و پیشنهاد کند.

کلیدواژه‌ها

اصول نظری، پژوهش، نتیجه پژوهش، اخلاق پژوهش، کتمان نتیجه، دستیابی به نتیجه.

* استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۰۷ | تاریخ تایید: ۱۳۹۹/۰۲/۱۰

مقدمه

آخرین مرحله در فرایند پژوهش، مرحله دست‌یابی به نتیجه است. این مرحله با همه مراحل پژوهش متفاوت است و به همین دلیل اصول اخلاقی متفاوتی دارد. در این مرحله از چگونگی پژوهش سخنی در میان نیست، بلکه درباره چگونگی ابراز یا کتمان نتیجه و حاصل پژوهش و مسئولیت صاحبان نتیجه پژوهش در قبال آثار آن سخن گفته می‌شود. سؤال اخلاقی در این مرحله این است که چه کسی و در چه صورتی می‌تواند نتیجه پژوهش را منتشر یا پنهان کند و چه کسی باید در برابر آثار نتیجه پژوهش بر زندگی انسان و محیط زیست، پاسخ‌گو باشد. پاسخ به این سؤالات از راه تکیه بر اصول ناظر به این موقعیت و تحلیل موقعیت پژوهشگر ممکن است. بر این اساس – و برای کشف و تدوین اصول اخلاقی در این مرحله – نخست، اصول نظری آن را تبیین می‌کنیم و سپس به تدوین اصول اخلاقی، می‌پردازیم.



بخش اول؛ صورت‌بندی اصول نظری

۴۸

فصل: اثائق پژوهشی
قسم: علوم انسانی
شماره: ۷
تاریخ: ۱۳۹۶

اصول نظری اخلاق در هر موقعیتی از راه تحلیل شرایط در ذیل مبانی فرانظری و پارادایمی کشگر اخلاقی به دست می‌آید. با صرف نظر از مبانی فرانظری محقق مسلمان که در این تحقیق به صورت پیش‌فرض تلقی می‌شوند، شرایط مرحله دست‌یابی به نتیجه را می‌توان ذیل دو امر بهره‌وری و مسئولیت‌پذیری تنظیم کرد. در این مرحله پیش از هر چیز انسان‌ها به بهره‌هایی توجه دارند که از حاصل پژوهش انتظار دارند. به همین دلیل، گروه‌های مختلف به سهم خواهی بر می‌خیزند و گروهی هم به دست اندازی و انتحال می‌پردازند. در کنار بحث از بهره‌وری، این سؤال نیز مطرح است که مسئولیت پیامدهای پژوهش به عهده کیست؛ زیرا جامعه انسانی و محیط زیست در معرض تماس با محصول پژوهش قرار می‌گیرد و از این تماس ممکن است به سود یا زیانی برستند.

۱. اصول نظری ناشی از مالکیت و بهره‌وری

۱.۱. مالکیت نتیجه تحقیق

مراجعه به تاریخ علم، هنر و ادبیات نشان می‌دهد انسان‌ها از دیرباز به پدیدآورنده اثر حُقْ

می‌دهند که اثر به نام او شناخته شده، از بهره‌های مادی و معنوی اثرش برخوردار باشد. همچنین به او حق می‌دهند دیگران را از تصاحب و تصرف در اثر خویش بازدارد (عربیان، جواد، ۱۳۸۲، ص ۹۳). تقبیح و نکوهش «انتحال» که به درازای عمر علمی و ادبی بشر قدمت دارد و نیز به رسمیت شناخته شدن حقوق مالکیت فکری در جامعه جهانی، برخاسته از این تلقی است. به همین دلیل «نظم‌های حقوقی مهم در اصل شناسایی «حق پدیدآورنده» اختلاف چندانی ندارند و همه بر حمایت از آن تأکید می‌کنند» (حکمت‌نیا و موحدی، ۱۳۸۵، ص ۹۰). انتساب نتیجه کار علمی به پدیدآورنده در نظر جامعه و عرف دانشوران چنان مسلم است که حتی خود پدیدآورنده را نیز محدود می‌کند؛ به طوری که از واگذاری آن به دیگری بازش می‌دارد (عربیان، جواد، ۱۳۸۲، ص ۹۳).

از منظر اسلامی، هرچند این عنوان نوپدید است و به صراحة در منابع یاد نشده، ممنوعیت انتساب اثر علمی به غیرپژوهنده به وسیله ادله عام قرآنی (نک: سوره نجم، آیه ۳۹) پشتیبانی می‌شود.

در فقه مذاهب اسلامی نیز دیدگاه‌های کلی نگر با نظریه منطقه الفراغ (حليمی، ۱۳۸۴، ص ۷۸) و نظریه دین حداقلی (حليمی، ۱۳۸۴، ص ۷۹) و دیدگاه‌های جزئی نگر از راه توسعه در مفهوم مالکیت یا به وسیله قاعده حفظ نظام و دلیل عقل مستقل (حليمی، ۱۳۸۴، ص ۸۰) به اثبات مالکیت فکری پژوهنده پرداخته‌اند. با صرف نظر از انتقاداتی که ممکن است از بُعد فنی به بعضی از این دیدگاه‌ها و نظریه‌ها داشته باشیم، اصل توجه دین به «حق مالکیت فکری» را از مجموعه آن‌ها استفاده می‌کنیم. بنابراین، یکی از اصول نظری اخلاق در این مرحله «اصل مالکیت پژوهنده نسبت به نتیجه پژوهش» است.

۱. شعاع سلطه محقق بر نتیجه تحقیق

از میان انواع امتیازاتی که عقلا برای پدیدآورنده اثر به رسمیت شناخته‌اند، تنها اصل «سلطه بر عدم نشر و افشار اثر» مورد استفهام جدی قرار می‌گیرد. آیا پدیدآورنده می‌تواند از نشر و افشار نتیجه پژوهش و اثر علمی، خودداری کند؟ این پرسش از منظر اخلاقی و حقوقی پاسخ‌های متفاوتی دریافت می‌کند. از منظر اخلاقی، نتیجه پژوهش حق عمومی جامعه به شمار می‌رود؛ به همین دلیل، پژوهشگر موظف است پژوهش‌هایی را که اولاً از کیفیت پژوهشی کافی برخوردارند و ثانیاً، دارای مزایای علمی هستند، در دسترس عموم قرار دهد. در برابر این وظيفة اخلاقی، نظام‌های حقوقی موجود، برای پدیدآورنده «حق افشار اثر» را به عنوان یک حق معنوی می‌شناسند. حقی که «بر اساس آن درباره زمان، مکان و چگونگی افشار اثر خود به شخص یا

۱.۳. تأثیر پشتیبانی محقق در ایجاد سلطه بر نتیجه تحقیق

اصل مالکیت محقق نسبت به حقوق معنوی اثر هیچ استثنای ندارد، ولی در صورتی که شخصی حقوقی یا حقیقی محقق را در راه رسیدن به نتیجه یاری و حمایت کند، در آثار مادی نتیجه با او شریک می‌شود. نظریه‌های مختلف از جمله «نظریه کار» جان لاک و «نظریه شخصیت» کانت انحصار حق معنوی به پژوهنده و قابلیت اشتراک حق مادی را پذیرفته‌اند؛ زیرا بر هر دو مبنای حقوق معنوی اثر، غیر قابل واگذاری است. با این تفاوت که طبق نظریه شخصیت، اثر فکری مظهر و ادامه شخصیت پدیدآورنده و جزئی از وجود اوست و به همین دلیل قابل انکاک از او و انتقال به شخص دیگر - اعم از حقیقی و حقوقی - نیست. بنابراین، ناشر یا مؤسسه یا شخص دیگر، تنها ابزار بیان اثر را در اختیار می‌گیرد (نک: حکمت‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۳۱۹)، ولی طبق نظریه کار، حقوق اقتصادی اثر به شخص دیگر منتقل شده و او مالک حقوق اقتصادی اثر می‌شود. چون طبق این نظریه، اثر فکری، کار پدیدآورنده است و هر کس مالک کار خویش است و می‌تواند کار خود را به دیگری واگذار کند (نک: حکمت‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۲۱۵). بر این اساس، هر کس به هر صورتی در رسیدن محقق به نتیجه نقشی داشته باشد، اعم از آزمودنی‌ها، پژوهشگران همکار و حامیان غیر مالی - اعم از افراد و مؤسسات - به تناسب نقش خود حقیقی پیدا می‌کند. ادای حق همه عناصر ذیربطری به یک صورت اتفاق نمی‌افتد. برای ادای حق برخی از عناصر ذیربطری ذکر نامشان در گزارش تحقیق کافی است؛ در حالی که برخی دیگر ممکن است شریک محقق در حقوق معنوی اثر باشند، ولی نقطه مشترک همه این عناصر این است که باید به حق خود برسند. بنابراین، یکی از

اشخاصی تصمیم می‌گیرد. وجود این حق برای پدیدآورنده، دیگران را از اجراء او به افشاء اثر خود باز می‌دارد و هیچ کس نمی‌تواند پدیدآورنده را به افشاء اثر خود مجبور سازد» (حکمت‌نیا، محمود، ۱۳۸۴، ص ۴۴). بنا بر این، از منظر حقوقی، پژوهنده حق دارد از افشاء نتیجه پژوهش، خودداری کند، ولی از منظر اخلاق، این حق با مسئولیت‌های محقق و فواید گزارش نتیجه پژوهش، در تعارض است و به همین دلیل توصیه می‌شود در صورتی که انتشار نتیجه تحقیق سودی به جامعه انسانی می‌رساند یا رنجی را تخفیف می‌دهد و مانع زیانی به انسان‌ها می‌شود، محقق از حق سلطه بر نتیجه تحقیق استفاده نکند و اجازه دهد جامعه از نتایج تحقیقیش بهره‌مند شود. در ادامه، درباره مسئولیت‌های محقق و فواید انتشار اثر بحث می‌کنیم. بر این اساس، دومین اصل از اصول نظری این حوزه «اصل سلطه حقوقی پژوهنده بر جلوگیری از افشاء اثر» است.

اصول نظری در این باب ضرورت رفتار عادلانه با عناصر صاحب نقش در پیدایش اثر می‌باشد.

۲. اصول نظری ناشی از مسئولیت پذیری

در شرایط عادی جامعه بشری از حاصل تلاش دانشوران و پژوهندگان سود می‌برد، ولی همیشه می‌توان شرایطی را تصور کرد که استفاده نادرست از حاصل یک پژوهش، انسان‌ها را گرفتار رنج کند؛ با این وصف آیا پژوهنده نسبت به نتیجه پژوهش خود مسئولیتی دارد و لازم است درباره نیک و بد آن دغدغه داشته باشد یا نه؟ در پاسخ به این پرسش، دانشمندان دو موضع روشن و علني دارند: برخی از دانشمندان با استناد به پاره‌ای گزاره‌های اثبات نشده و نوعی مصادره به مطلوب مسئولیت محقق را انکار کرده‌اند. گزاره‌ایی مثل «علم برای علم»، «مرزناسناسی تحقیق علمی»، «بی طرفی علم» و «عدم ارتباط علم و سیاست» که هرگز در یک فرایند صحیح انتقادی به اثبات نرسیده، شعارهایی هستند که برای توجیه عدم مسئولیت دانشمند، ساخته شده‌اند. طرفداران این رویکرد، عمدتاً با اتكا بر منطق تمایز بین علم محض و کاربردی، از سیاست آزادی مطلق علم و «نظریه عدم مسئولیت محقق» طرفداری می‌کنند. به نظر آن‌ها تنها کاربرد علم است که می‌تواند زیان‌بار باشد و تا آنجا که به علم محض مربوط می‌شود، یگانه وظیفه دانشمند آگاه ساختن مردم از نتایج پژوهش‌های خویش است. این که دیگران از نتایج مذکور چه استفاده‌ای می‌کنند، ربطی به او ندارد. فایمن - فیزیکدان آمریکایی - در توجیه این رویکرد نوشتۀ است:

کسانی که اصرار می‌ورزند دانشمندان و علمای علوم دنیوی موظف‌اند درباره اثر دانش خود بر جامعه، تشویش و دغدغه خاطر داشته باشند، لذت اندیشیدن و پی بردن را در نظر نمی‌گیرند. آیا این لذت و حظ شخصی که دانشمند می‌برد برای کل جامعه ارزشمند است؟ پاسخ منفی است، اما باید به یاد آورد که ارزش خود جامعه چیست. اگر به ژرفای مطلب برسیم، خواهیم دید که ارزش بنیادی جامعه در این است که افراد از زندگی خود لذت ببرند. در این حال، حظ و لذتی که دانشمند می‌برد، دست‌کم به اندازه هر لذت و حظ دیگری باید ارزشمند باشد (فایمن، ۱۳۸۵، ص ۱۰۲).

در برابر این رویکرد، بسیاری از دانشمندان حتی از افسای اسرار طبیعت که در مطالعات خود کشف کرده بودند، خودداری می‌کردند. برای مثال، ارشمیدس - ریاضیدان و فیزیکدان یونانی - حاضر نبود رساله خود راجع به ریاضیات را منتشر کند؛ زیرا احتمال می‌داد یافته‌های او کاربردهای



مهندسی خطرناکی داشته باشد. همچنین لنوواردو داوینچی (۱۴۵۲-۱۵۱۹) مدل زیردربایی خود را منتشر نکرد؛ چون فکر می کرد طبیعت شرّ بشر می تواند آن را به عنوان ابزاری برای تخریب بستر دریا به کار می گیرد (نک: معلا، بی، تا، ص ۱۱۲). افسانه هایی که از دست یابی برخی دانشمندان به اسرار طبیعت و خودداری از افشاری آن ها بر زبان ها جاری است نیز مستند به این امر ارتکازی است که دانشمند نمی تواند نسبت به نتیجه تحقیقات خود بی دغدغه باشد.

طرفداران این نظریه اعلام می کنند که مرادشان از مسئولیت پذیری دانشمندان نسبت به علم خود در جامعه، همان تأثیرات کاربردی علم است (فاینمن، ریچارد، ۱۳۸۵، ص ۱۰۱)، ولی تفکیک علم محض از کاربردی - با توجه به ماهیت پژوهش علمی - دور از واقعیت است و هیچ دانشمندی نمی تواند ادعا کند، کارش ربطی به رفاه افراد یا سیاست دولت ها ندارد. بر این اساس، هر دانشمندی باید بداند دانشی که تولید می کند، چه آثاری می تواند در طبیعت و جامعه بشری به همراه داشته باشد. مطابق این نظریه، پژوهش گری که در کار خود موفق بوده و به نتیجه های علمی دست یافته، هم نسبت به سودی که در صورت کتمان نتیجه تحقیق از دست جامعه می رود، مسئول است و هم نسبت به زیانی که در صورت نشر و افشار آن ممکن است، گریزان انسان ها را بگیرد. مسئولیتی که دانشمند باید آن را پذیرد، با دو عامل شناخته می شود: جایگاه هایی که خود او در جامعه به دست می آورد و فوایدی که نشر دانش برای جامعه بشری به دنبال دارد. در ادامه، درباره این دو عامل به طور خلاصه سخن می گوییم:

۲.۱. فواید نشر و گزارش نتیجه تحقیق

در اینجا تنها از فوایدی نام می برمی که انتشار دانش حتی بدون توجه به کاربردش برای جامعه انسانی به دنبال دارد. از این قبیل فواید توسعه دانش (پاشا شریفی و شریفی، ۱۳۸۹، ص ۳۶۷) اصلاح دانش، حفظ و انباست سرمایه علمی (هرودی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۵) و تشکیل جامعه علمی (هویت و کرامر، ۱۳۸۹، ص ۱۱۵) از همه مهم تر است.

۲.۲. جایگاه دانشمند در جامعه انسانی

مايكل آیته - رياضيدان معاصر - برای اثبات مسئولیت ویژه دانشمندان شئون و توانابی های ايشان را در چهار عنوان ترتیب داده است: ۱) درک عمیق از مشکلات فنی؛ ۲) توانابی توصیه و کمک علمی

برای حل مشکلات؛^۳ امکان هشدار دادن به جامعه؛^۴ برخورداری از دیدگاهی جهانی به نفع نوع بشر و برخورداری از نوعی برادری بین‌المللی که فراتر از مرزهای طبیعی است (رات‌بلات، ۱۳۹۸). از منظر اسلامی، دانشمند در جامعه دارای سه موقعیت است که از ناحیه هر یک از آن‌ها ممکن است مسئولیتی داشته باشد: جایگاه انسانی، جایگاه دانشوری و جایگاه برخورداری.

به خاطر جایگاه انسانی از نظر اخلاقی موظف به خیرخواهی است (کلینی، ۱۳۴۸، ج ۲، ص ۱۶۴) و باید در راستای زدن رنج انسان‌ها تلاش کند (فیض کاشانی، بی‌تای، ج ۷، ص ۱۳۸۵؛ طبرسی، ۱۳۸۰) و با این تلقی که انسان‌ها همه خانواده خدایند، بکوشد سودی به آن‌ها برساند (کلینی، ۱۳۴۸، ج ۲، ص ۱۶۴).

مسئولیت و تکالیف خاصی که به مقتضای جایگاه دانشوری بر عهده دانشمندان نهاده شده، در زبان قرآن کریم و به تبع آن در فرهنگ پیشوایان معصوم (ع)، گاهی به عهد و پیمان الهی مستند شده (سوره آل عمران، آیه ۱۷۸؛ شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۱۳) و گاهی به دارایی علمی دانشمند. (شیری رضی، ۱۴۱۴، ص ۵۰؛ حرانی، ۱۳۶۳، ص ۲۷۵). دانشمند به استناد عهدي که با خدا دارد، موظف است به رنج و راحت انسان‌ها، توجه کند (شیری رضی، ۱۴۱۴، ص ۵۰) و در زمینه‌ای که حق و باطل را می‌شناسد،

۵۳

حق را اظهار کند. (سوره آل عمران، آیه ۱۷۸؛ شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۱۳) و باید به خاطر دارایی علمی اش زکات آن را پردازد، یعنی دانشش را به شایستگان بیاموزد (نوری، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۴۶). دانشمند به خاطر برخورداری از نعمتِ دانش، موظف است از خدا (نک؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۱۰ و طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۷۰۳) و انسان‌ها شکرگذاری و قدردانی کند. بر اساس آنچه گذشت، دانشمند در برابر خداوند متعال متعهد، به جامعه بشری به ویژه جامعه خویش مدیون و به مثابه شکرگذاری موظف به فایده‌رسانی و رنج‌زدایی از جامعه انسانی است.

بخش دوم؛ تدوین اصول اخلاقی

محقق در ارتباط با نتیجهٔ پژوهش خود در دو موقعیت قرار می‌گیرد: یا نتیجهٔ تحقیق خود را برای جامعه بشری مفید می‌داند و تصمیم می‌گیرد آن را منتشر کند و یا به دلیل زیانی که در آن می‌بیند، تصمیم می‌گیرد آن را مخفی کند و در هر یک از این دو موضع از منظر اخلاق، وظایفی پیدا می‌کند. وظایفی که محقق در این مرحله پیدا می‌کند – چه بر محور ابراز و چه بر مدار کتمان نتیجه – همه از مصاديق ادای حق و ایفای وظایف و مسئولیت‌های دانشوری، انسانی و

برخورداری است. در ادامه، وظایف عمدۀ محقق را در این دو موقعیت با نظر به آموزه‌های اخلاقی اسلام و اصول نظری پیش‌گفته، بررسی و تبیین می‌کنیم.

۱. موقعیت کتمان نتیجه تحقیق

درباره موقعیت کتمان به دو تبیین نیازمندیم: نخست این که مرجع تشخیص کیست و دیگر این که مراد از دانش زیان‌آور چیست.

نخست، اگر می‌توانستیم تشخیص دانش زیان‌آور را دست کم به جمعی از اهل دانش واگذار کنیم، حتیاً ضریب خطا در این مسئله به حداقل می‌رسید، ولی اطلاع هر کس جز شخص پژوهنده تقریباً مساوی با ابراز و نشر نتیجه است و با این وصف نمی‌توان از اخلاقی بودن کتمان که دیگر در اختیار پژوهشگر نیست، سخن گفت. بنابراین، افزون بر این که در فضای اخلاق و امور معنوی اطمینان شخص کنش‌گر معتبر است، در این مسئله واگذاری تشخیص به دیگری مساوی با امحای صورت مسئله است.

دوم، دانش به معنای آگاهی از روابط موجودات، به خودی خود نمی‌تواند زیان‌بار باشد. بزرگ‌ترین زیانی که از این ناحیه ممکن است گریان انسان را بگیرد، بی‌فایده بودن است. اطلاق عنوان زیان‌بار بر این قبیل دانسته‌ها از این روی صحیح است که انسان برای رسیدن به هر دانسته‌ای، بخشی از عمر و امکانات خود را مصرف می‌کند و اگر نتیجه این تلاش و هزینه، گرهی از کار او نگشاید، آن تلاش و هزینه به هدر رفته است. بر این اساس، وقتی از یک علم زیان‌آور سخن می‌گوییم، در حقیقت، به کاربردهای آن نظر داریم و منظورمان دانشی است که می‌توان آن را به زیان انسان‌ها به کار برد. کاربرد هر چیز در زندگی انسان هیچ‌گاه در یک نقطه قابل توصیف متمرکز نیست تا به آسانی بر چسب مفید یا مضر برآن بزینیم؛ هر چیز قابل کاربردی در یک مدار فازی به کار می‌رود، در طیفی از فایدمترسانی محض تازیان‌آوری مطلق. به عبارت دیگر، ضرر و فایده از مفاهیم تشکیکی اند. بنا براین، توصیف نتیجه یک تحقیق به زیان‌باری با دو مشکل مواجه است:

۱. همیشه باید به تشخیص یک نفر (شخص محقق) واگذار شود که ممکن است بر شرایط گوناگون جوامع انسانی احاطه نداشته باشد.

۲. هر چیز زیان‌باری از نگاهی دیگر و با وجهه‌ای دیگر می‌تواند مفید باشد. به عبارت دیگر، سود و زیان دانستی‌ها با ملاحظه شرایط زمانی و میزان رشدیافتگی انسان‌ها صورت‌های

مختلفی پیدا می‌کند. با این ملاحظه، هرچند ممکن است از برخی عبارات احادیث، مثل «علمی که سودی نرساند» (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۷۰) و «علمی که دانستش سودی ندارد» (سیوطی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۶۰). دانش بدون فایده به ذهن تبار کند و بنا بر آنچه درباره مسئولیت دانشمند گفته می‌شود (نک: فایمن، ۱۳۸۵، ص ۱۰۱؛ معلا، بی‌تا، ص ۱۱۲) نویسنده‌گان اخلاق، پژوهنده را موظف به کتمان آن بدانند، ولی حقیقت این است که وجود دانشی که یکسره زیان‌بار بوده، هیچ منفعتی حتی برای افراد خاص و در زمان‌های آینده هم برای آن تصور نشود، یک فرض محقق نشدنی است. چیزی که در عالم واقع وجود دارد و می‌توان به آن اشاره کرد، این است که دانش‌هایی با صبغه زیان‌باری می‌توانند از جهات مختلفی مفید باشند. برای مثال، برای گروهی خاص که توانایی حفظ آن را دارند، سودمند، یا حتی ضروری باشند. در این صورت، اظهار آن برای همان دسته از مردم، به اندازه کتمانش از دیگران، لازم و اخلاقی است. این اصل را می‌توان از سفارش‌هایی مثل «بَذُلُهُ لِمُسْتَحِقٍ؛ بِخَشِيدَنْ بِهِ كَسِيْ كَهْ شَايِسَتَه آَنْ اَسَتْ» (لیشی، ۱۳۷۶، ص ۲۷۵) و «أَنْ يُعَلِّمَ أَهْلَهُ؛ آَنْ رَبَّهُ افْرَادٌ شَايِسَتَه بِيَامُوزَد» (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۳۶۴) استنباط کرد.

گاهی یک دانش می‌تواند در زمان‌های دیگر و شرایط دیگر و در دست افرادی با توانایی بیشتر سودمند باشد. رسول خدا (ص) فرمود: «خَرْمٌ بَنْدَهَيِ كَهْ گَفْتَهْ مَرَا بِشَنْدَهْ، حَفْظَ كَنْدَهْ وَ بَيْ تَغْيِيرِي، بَهْ آَنْ كَهْ نَشْنِيدَهْ بِرَسَانَد؛ بَسَا كَسِيْ كَهْ خَوْدَ دَانَشَمَنَدَ نَيْسَتَه، وَلِيْ دَانَشَيِ رَبَّهِ دِيَگَرِيِ مِيَرَسَانَد وَ بَسَا كَسِيْ كَهْ دَانَشَيِ رَبَّهِ دَانَاتَرَ اَزْ خَوْدَ مِيَرَسَانَد» (کلینی، ۱۳۴۸، ج ۱، ص ۴۰۳).

شاید یکی از فلسفه‌های تشکیل اصحاب سر در حوزه امامت، همین بود که برخی از معارف باید به دست دیگران می‌رسید و شاید تنها راهش سپردن آن معارف به افراد موجود بود. به همین دلیل است که برخی از معارفی که پیشوایان معصوم (ع) در دوره‌های میانی امامت به اصحاب سر خود آموخته و آن‌ها را از افسای آن برحدز داشته‌اند، در دوره‌های پایانی در ضمن ادعیه و زیارات در دسترس دیگران هم قرار گرفته است. با توجه به این محدودیت‌ها، پیشنهاد یک اصل اخلاقی برای فرض زیان‌بار بودن نتیجه پژوهش نه تنها آسان نیست، بلکه ممکن است عالماهه هم نباشد. با این حال، به استناد مسئولیت دانشمند در سودرسانی و رنج‌زدایی افسای دانش در ظروفی که نفعی به حال مردم ندارد یا ممکن است رنجی برای آن‌ها بیافریند، خلاف اخلاق است.

۲. موقعیت اظهار نتیجه تحقیق

منظور از موقعیت اظهار نتیجه، موقعیتی است که پژوهنده تصمیم می‌گیرد نتیجه پژوهش خود را

۱.۲ صداقت

منظور از «صداقت» در حوزه پژوهش، «صداقت علمی» است. «صداقت علمی» در برابر دو رفتار غیر اخلاقی «جعل»^۱ و «تحريف داده»^۲ قرار دارد. جعل و تحريف داده‌ها از بارزترین مصاديق «تقلب علمی»^۳ است که در عصر ما به دليل وجود فناوري های نوين ارتباطی از يكسو و نقش مؤثر جايگاه علمي در تعين جايگاه اجتماعي از سوي ديگر، چهره های متنوعی پيدا كرده است. (نک: ذاکر صالحی، ۱۳۹۸، ص ۱۷-۴۵). دفتر علم و فناوري ایالات متحده جعل در پژوهش را «ساختن داده‌ها یا نتایج و ثبت و ضبط یا گزارش آن‌ها» تعریف کرده است (Shamoo, 2009, pp. 15-32). به نظر می‌رسد تأکید بر واژه ساختن که حکایت از غیر واقعی بودن داده یا نتیجه ساخته شده

1. fabrication

2. falsification

۳. از آنجا که «تقلب» یک اصطلاح حقوقی است، بنیاد ملی علوم آمریکا برای پرهیز از بار حقوقی و پیامدهای قانونی کاربرد این واژه، به جای اصطلاح تقلب علمی، «بدرفتاری پژوهشی» را به کار برد و آن را در سه شاخه تعریف کرده است: ساخت (داده‌سازی)، تحریف (جعل)، و اقتباس (سرقت) از آثار ادبی.

اعلام کند. این تصمیم گاه مستند به فوایدی است که او برای خود تصور می‌کند؛ با صرف نظر از فوایدی که ممکن است برای جامعه در پی داشته باشد و گاه ناشی از این است که او حاصل پژوهش را برای جامعه بشری مفید می‌داند. در صورت اول، اعلام نتیجه از نظر ماهوی یک معامله است که انجام‌دهنده آن به طور طبیعی به دنبال سود بیشتر خواهد بود. داشمندی که سود مادی را هدف قرار می‌دهد از نظر حقوقی، مجرم نیست، ولی بر خلاف «اخلاق دانشوری» رفتار کرده و احتمال این که مرزهای اخلاقی دیگری را در پی سود بیشتر در نوردد، منتفی نیست. در صورت دوم نیز با آن که نمی‌توان به پژوهشگر نسبت سودجویی داد و او را به منفعت طلبی متهم کرد، نیروهای درونی و بیرونی (نفسانی و اجتماعی) زیادی با گرایش‌های ضد اخلاقی اور احاطه می‌کند. بنابراین، در هر دو صورت، اگر محقق مصاديق رفتارهای غیراخلاقی را نشناسد و از پیش برای مقابله با آن‌ها آموزش ندیده و تمرین نکرده باشد، هرگز موفق به انجام وظایف اخلاقی خود نمی‌شود. در ادامه، در باره اصول و ارزش‌هایی که در این دو موقعیت به کار محقق می‌آید، سخن می‌گوییم.

دارد، ما را از قیدهایی مثل تقلیبی یا تأیید نشده (توكل و ناصری‌زاد، ۱۳۸۸، ص ۷) بی‌نیاز می‌سازد.

تحریف، هم در مرحله جست‌وجو و پژوهش اتفاق می‌افتد و هم در مرحله دست‌یابی به تیجه. تحریف در زمان تحقیق به معنای دست‌کاری مواد، وسایل و فرآیند پژوهشی است و در مرحله دست‌یابی به تیجه، عبارت است از تعییر و حذف داده‌ها و نتایج، به صورتی که سبب شود نتایج گزارش شده با نتایج واقعی متفاوت باشند و تحقیق به عنوان یک مطلب ثبت شده قبلی به شمار نیاید (نورمحمدی، ۱۳۹۳، ص ۶). تفاوت بین تحریف و جعل داده‌ها در آن است که در جعل داده‌ها، تمامی نتایج گزارش شده غیرواقعی هستند؛ در حالی که در تحریف داده‌ها، تنها بخشی از نتایج گزارش شده غیر واقعی آنده. میتوان بر اصل احترام به حقوق پژوهندۀ وظیفه دارد از جعل و تحریف خودداری کند. پژوهندۀ‌ای که دست به جعل یا تحریف می‌زند از طرفی به حق جامعه نسبت به آگاهی از حقیقت و از طرفی به حق کسانی که در فرایند جعل یا تحریف تیجه تلاششان به سرقت می‌رود، بی‌اعتنتایی می‌کند. افزون بر این، هم دروغ می‌گوید و هم تدلیس و فریبکاری می‌کند. درباره زشتی دروغ لازم نیست سخنی بگوییم؛ زیرا زشتی دروغ واضح و از ضروریات عقلی است. فریبکاری نیز این حیث کمتر از دروغ نیست. به همین دلیل قرآن کریم به بهانه‌های مختلف حیله و حیله‌گر را نکوهش کرده (از جمله، نک: سوره فاطر، آیه ۱۰ و ۴۳؛ سوره مطففين، آیه ۴۱) و پیشوایان معصوم (ع) ما نیز به همین روش حیله‌گری و فریبکاری را به مثاله خصلتی ضد ایمان سرزنش کرده (شیخ صدوq، ۱۳۷۶، ص ۲۷۰) و حیله‌گر را خارج از زمرة اسلامیان قرار داده‌اند (شیخ صدوq، ۱۴۰۶، ص ۲۷۱). امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «فریفتنه کسی که به تو اطمینان کرده، کفر است» (لیشی، ۱۳۷۶، ص ۲۹). قیدی که در سخن آن حضرت آمده (کسی که به تو اطمینان کرده) قید توضیحی است؛ زیرا کسی که اطمینان نکرده، فریفتنه در عمل ممکن نیست. بنا براین، نمی‌توان از این قید جواز فقهی یا اخلاقی نوعی از فریبکاری را استفاده کرد.

«تدلیس» به معنی خدعاً، حیله و مخفی کردن عیب در فرهنگ اسلامی از اصطلاحات علم فقه و حدیث است. در فقهِ معاملات، تدلیس به معنای مخفی کردن عیب است و با همین مفهوم در باب بیع و نکاح به کار می‌رود. در باب بیع به معنای مخفی کردن عیب کالا (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۹۳۰) و در باب نکاح به معنای پنهان کردن عیب زن یا مردی است که قصد ازدواج دارد (نک: مروارید، ۱۴۱۰، ج ۱۹، ص ۶۳۵). در علم حدیث نیز دارای سه اصطلاح است: ۱) این که راوی از کسی حدیث نقل کند که او را ندیده است؛ ۲) از کسی که دیده چیزی را نقل کند که از او نشنیده است؛ ۳) از کسی چیزی نقل کند ولی و انmod کند او کسی دیگر است (ابوحیب، ۱۴۰۸، ص ۱۳۲؛ نک:

۲.۲. شهامت و شجاعت

التزام پژوهنده به اصول نظری در مقطع اعلام نتیجه مستلزم شهامت است؛ چون بدون شهامت، ممکن است برای پرهیز از مخالفت‌های احتمالی از اعلام نتیجه پژوهش خودداری کند. پنهان کردن نتیجه پژوهش با ملاحظات شخصی مخالف اصل سودرسانی تلقی می‌شود. مخالفت با نتایج نوییتر از ناحیه سه قطب اجتماعی برمی‌خیزد؛ صاحبان سرمایه و ثروت، قادرمندان و سیاستمداران و جامعه علمی. منشاً پرهیز از مخالفت این گروه‌ها ترس است یا طمع که هر دو در بینش اخلاقی اسلام نکوھیده است. در بینش اسلامی، انسان موحد در بیم و امید هم موحد است؛ یعنی تنها خدا را شایسته ترسیلدن می‌داند (سوره توبه، آیه ۱۳؛ دیلمی، بی‌تا، ص ۱۲۰) و تنها به خدا امید می‌بنند، امام سجاد (ع) می‌فرماید:

من تمام خیر را در این دیدم که از آنچه در دست مردمان است، طمع ببری؛ کسی که هیچ به مردم امید نبندد و همه کارش را به خدا بسپرد، خدا در هر موردی پاسخ او را می‌دهد (کلینی، ۱۳۴۸، ج ۲، ص ۱۴۸).

بنابراین، پژوهنده باید با انکا به خداوند متعال، ترس از صاحبان قدرت را از دل براند و طمع از ارباب ثروت بُرد و دانشی را که برای مردم مفید است اعلام کند و در برابر جنجال جامعه علمی با شجاعت و شهامت از نظریه خود دفاع کند.

قلعه‌جی، ۱۴۰۸، ص ۱۲۶). بر این اساس، جعل و تحریف هر دو با تدلیس در علم حدیث قربات و بلکه مشابهت دارند. تدلیس با همه معانی اش در فرهنگ اسلامی نه تنها موضوع منع اخلاقی، بلکه موضوع نهی فقهی نیز هست. پژوهنده برای اجتناب از جعل و تحریف باید آنچه را واقعاً از کار پژوهشی خود به دست آورده، عیناً منعکس سازد و از پنهان کردن نتیجه و دخل و تصرف در آن پرهیزد. لازمه صداقت این است که اگر مطالعه به هر دلیلی کامل نبوده، موارد نقص آن را نیز گزارش کند، حتی اگر نارسانی مربوط به طبیعت نوع مطالعه و روش‌های موجود باشد. برای مثال، اگر قرار است نتیجه یک مطالعه اکتشافی را گزارش کند، باید اکتشافی بودن مطالعه را در گزارش قید کند تا خواننده گزارش، انتظار نتیجه قطعی و کامل نداشته باشد. همچنین اگر نتیجه یک مطالعه توصیفی را گزارش می‌کند، باید توصیف‌های مربوط به جامعه و نمونه را به درستی گزارش کند و دامنه خطای ممکن در توصیف‌های استنباطی خود را نیز مشخص کند (بی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۲۷).

نکته‌ای که در این مقام نمی‌توان ندیده گرفت، قربات شهامت با بی‌پروایی است. پژوهنده بی‌پروا در مقام اعلام نتیجه می‌تواند نتایجی را منتشر کند که با مصالح عمومی جامعه انسانی سازگار نباشد. بر این اساس، به همان نسبت که شهامت اخلاقی است، «بی‌پروایی» بر خلاف اخلاق است. محقق در صورتی که بترسد، مصلحتی اخلاقی را از دست می‌دهد و در صورتی که بی‌پروایی کند، مصلحتی دیگر را و خود بهتر از هر کس می‌تواند مرز باریک بین شهامت و بی‌پروایی را در هر مورد بشناسد. برای کسی که اخلاق می‌نویسد، بسیار مشکل است برای موضع گیری در مواردی که دو مصلحت با هم تراحم می‌کنند رفتار و روشی را توصیه کند؛ چون هر مورد در شرایط خاصی اتفاق می‌افتد و تنها شخص پژوهنده می‌تواند راه منحصر به فرد بروز رفت از تنگنای تراحم را در هر مورد پیدا کند.

۲.۳. دقت در تنظیم گزارش

۵۹

از اصول اخلاقی در گزارش نتیجه تحقیق، دقت در تنظیم گزارش است. دقت از طرفی به «امانتداری» مربوط است و از طرفی به راهنمایی و هدایت دیگران. دانشمند چون سعی می‌کند مرز دقیق یافتهٔ خویش را ترسیم کند تا یافته‌های دیگران را به خود نسبت ندهد، امانتدار است و به این ملاحظه دقت در گزارش، ذیل «رعایت حقوق» قرار می‌گیرد و چون تلاش می‌کند آنچه را به دست آورده به دیگران عرضه کند، در مقام راهنمایی است. چنانکه برخی تأکید کرده‌اند:

نتیجه یک کار تحقیقی معمولاً پیش از دیگر قسمت‌ها خوانده می‌شود. در پرتو خواندن همین چند صفحه نتیجه‌گیری، خواننده بدون آن که مجبور به خواندن کل گزارش باشد، ایده کلی از فایده‌ای که تحقیق برایش دارد را به دست خواهد آورد. بر پایه همین تشخیص سریع، او درباره خواندن یا نخواندن تمامی گزارش یا احتمالاً بخش‌هایی از آن تصمیم خواهد گرفت (کیوی و کامپنهو، ۱۳۸۷، ص ۲۵۲).

در واقع، دانشمند با نوشتن یک گزارش دقیق، خواننده خود را در رسیدن به تصمیم کمک و راهنمایی می‌کند. بنا براین، «باید نتایج یک کار تحقیقی را با دقت زیاد نوشت و اطلاعات مفید برای خواننده‌گان بالقوه را در آن عرضه کرد» (کیوی و کامپنهو، ۱۳۸۷، ص ۲۵۲). دقت در گزارش به این ملاحظه ذیل «شکرگزاری و ادای زکات علم» قابل طرح است.

در ذیل این اصل اخلاقی، فروع دیگری نیز مطرح می‌شود. از آن جمله است: رعایت حقوق

و استخدام ادبیات آشنا.

۲.۳.۱. رعایت حقوق عناصر صاحب نقش

اگر «عدالت» را یکی از اصول نظری این باب پذیریم، پژوهنده باید با «صدقّت» نام افراد و گروههای صاحب نقش در رسیدن به نتیجه را نیز در گزارش بیاورد و همان طور که دقت می‌کند نتیجه گزارش را به درستی گزارش کند، باید دقت کند حقوق مادی و معنوی عناصر ذیربطری مثل آزمودنی‌ها، پژوهشگران همکار، حامیان مالی و غیر مالی اعم از افراد و مؤسسات را نیز در گزارش قید کند.

۲.۳.۲. رعایت حق مخاطبان

یکی از حقوقی که به طور خاص در گزارش تحقیق باید مراعات شود، حق جامعه مخاطبان و خوانندگان آثار علمی است که در دو گروه متخصصان و عموم جامعه طبقه‌بندی می‌شوند. مهم‌ترین حق جامعه مخاطبان و خوانندگان این است که حقیقت را بسی کم و کاست و بدون هر گونه جعل و تحریف بدانند. بنابراین، محقق وظیفه دارد، افزون بر این که نتیجه کار خود را به صورت فنی به متخصصان رشته خود گزارش می‌کند، «حداقل بخشی از نتایج تحقیقات خود را که متناسب با مسائل روز و زندگی اجتماعی است، با رویکردی ترویجی و به زبانی ساده برای عموم مردم منتشر کند. هدف از انتشار آثار ترویجی، اشاعه دانش در سطوح مختلف جامعه و نیز برقراری پلی میان دو عرصه نظر و عمل است» (منصوریان، ۱۳۹۳، ص ۳۰).

۲.۳.۳. استخدام ادبیات آشنا

وفادری به ادبیات خاص یک علم یعنی مأнос‌گویی و به زبان دیگران سخن گفتن، از اصول اخلاقی اعلام نتیجه است. پس اگر کسی در گزارش نتیجه پژوهش اصطلاح جدیدی استخدام کند، باید به اصطلاحات شناخته شده آن علم نزدیک باشد؛ به طوری که اهالی آن علم آن را بشناسند. مراعات این هنجار چنان ضروری است که طبق دیدگاه برخی از صاحب‌نظران، «اصطلاحاتی که با فاصله زیاد از فضای اصطلاحات یک علم ساخته می‌شود از آن علم شمرده نمی‌شوند و مباحثی که بر محور آن‌ها شکل می‌گیرد از مسائل آن علم شناخته نمی‌شوند» (جباران، ۱۳۹۶، ص ۱۴۹).

۴. نقدپذیری

«نقدپذیری» اصل اخلاقی دیگری است که پژوهنده بعد از انتشار نتیجه تحقیقش به آن محتاج است. نقدپذیری به این معناست که پژوهنده پس از اتمام کار و رسیدن به نتیجه، نقد دیگران بر کار خود را با آغوش باز پذیرد و به جای برخورد تقابلی متکبرانه، ناقد را احترام کرده، نقدش را با تأمل و تعمق ملاحظه کند.

کسانی که مورد نقد قرار می‌گیرند، در مواجهه با نقد و ناقد راههای متفاوتی را برمی‌گیرند: برخی نقد را نشینیده و ناقد را ندیده می‌گیرند. گروهی نقد را می‌شنوند، ولی به جای توجه به نقد، بر خود لازم می‌دانند از ناقد انتقام بگیرند و به فراخور حال با او مواجه می‌شوند. عدهای هم با تواضع نقد را می‌پذیرند و از ناقد تشکر می‌کنند. ما این روش را مواجهه سازنده می‌نامیم. مشهور است که اتخاذ این روش کاری ساده نیست و مستلزم خودستنجی، خودنکوهی و حتی خودشکنی است (آریانپور، ۱۳۵۵، ص ۱۱۰). مقابله نادرست و غیرسازنده با نقد در حقیقت فرار از حقیقت است؛ حقیقت این است که کاستی‌ها و محدودیت‌های انسان موجب می‌شود هر پژوهشی همواره با درصدی از سهو و خطأ همراه باشد و هیچ پژوهشی ما را با عین حقیقت پیوند نزند. افزون بر این «روش‌های تحقیقی و وسائل پژوهشی آنقدر کامل نیستند که ما را به واقعیات چنان که هستند تماس دهند» (شريعتمداری، ۱۳۷۶، ص ۴۵۱) و به همین دلیل هیچ‌یک از نظریه‌های علمی عاری از نقیصه‌ای قابل نقد نیست و پیشرفت و تکامل دانش بشری نیز در گروه مین نقد و انتقادهایست. سر کارل ریموند پوپر (۱۹۹۴-۱۹۰۲) – استاد مدرسه امور اقتصادی لندن – معتقد است: «برخلاف نظر رایج پوزیتیویست‌ها، رشد علم در تأیید و اثبات نظریه‌ها نیست، بلکه محصول نقد و تجدیدنظر آن‌هاست» (شیری، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۶۴)، محض نمونه «نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول توسط جان مینارد کیز در سال ۱۹۳۶ و نظریه محض سرمایه توسط اف. ای. هایک^۱ در سال ۱۹۴۱ محصول نبرد این دو محقق و انتقاد دیگران به مدل‌های آن دو است» (کالدول، ۱۳۸۸، ص ۲۲۹). بروس کالدول درباره نحوه شکل‌گیری و تکامل نظریه «سرمایه» توسط اف. ای. هایک، نوشته است:

1. Hayek Friedrich August von.

فریدریش آوگوست فون هایک ۱۸۹۹-۱۹۹۲ م

هایک، در سراسر دهه ۱۹۳۰ م مشغول پاسخ‌گویی به منتقدان خود بود و در این راستا به اصلاح مدل‌های خود می‌پرداخت و همین امر انتقادهای تازه و اصلاحات جدید را به همراه داشت (کالدول، ۱۳۸۸، ص ۲۲۹).

همچنین، داستان تأثیر انتقادات عرفان و متکلمین در رشد فلسفه اسلامی مشهور است (نک: اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۹).

پژوهنده با هدف کشف حقیقت پژوهش می‌کند. بنا بر این، اگر خود به هر دلیلی از دریافت آن بازماند، وقتی دیگری آن را به او هدیه می‌کند، نباید از قبولش خودداری کند. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «حقیقت گم شده انسان حکیم است؛ هر جا بر آن دست یابد از هر کس دیگر به آن سزاوارتر است» (شریف رضی، بی‌تا، ص ۱۹۸) کسی که به دنبال گم شده خویش می‌گردد، وقتی آن را پیدا کند اهمیتی نمی‌دهد که در دست کیست؛ چون تنها به گرفتنش می‌اندیشد (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۲۲۷). انتقاد دیگران به یافته‌های پژوهشی یک محقق همان حقیقتی است که از نظر او، دور مانده و دیگران برایش می‌آورند.

مواجهه غیرسازنده با نقده، برخاسته از صفات ناپسند اخلاقی مثل عجب و کبر یا کاستی معرفتی است (فرامرز قرامکی، ۱۳۸۳). بنابراین، برای آن که بتوانیم نقد دیگران را به طور سازنده پذیریم در قدم اول باید این صفات ناپسند را حداقل در این میدان از خود دور کنیم و به خود بیاورانیم که دیگران نیز همانند ما بهره‌ای از درک و عقل و هوش و دانش دارند، افزون بر این که دیدن عیب دیگران نیاز به تخصص و مهارت ندارد (نک: اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۵-۱۱۶)؛ بسا کسانی که خود کاری را به خوبینمی‌توانند، ولی فرق بین خوب و بدش را می‌فهمند.

افزون بر این، باید تعریفمان را از نقد اصلاح کیم. اگر نقد را به منزله حمله دشمن تلقی کنیم، نمی‌توانیم به طور سازنده بکارش گیریم. برای برخورد سازنده باید «انتقاد را منبع اطلاعات جدیدی بدانیم که باید به طور عینی ارزیابی شود» (واینیگر، ۹۹۴)، ص ۹۲. دشمن انگاری ناقد اگر چه بهانه خوبی برای بی اعتایی به سخشن نیست، به طور طبیعی می‌تواند نقدپذیری ما را کم کند. بنا براین، باید ناقد را چون برادری دلسوز تلقی کنیم که عیب و نقص ما را به ما نشان می‌دهد و با این کار خود ارزنده‌ترین هدایا را به ما پیشکش می‌کند، امام صادق (ع) می‌فرماید:

«محبوب‌ترین برادرانم آنها‌یند که عیبهایم را به من نشان می‌دهند» (کلینی، ۱۳۴۸، ج ۲، ص ۶۳۹)

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت، استفاده می‌شود که اخلاق در مرحله سوم پژوهش، یعنی آنجا که محقق به نتیجه دست پیدا می‌کند، بر چند اصل نظری استوار است. اصولی که یا از مالکیت نتیجه تحقیق ناشی می‌شوند و یا از مسئولیت‌پذیری محقق. مالک نتیجه تحقیق شخص محقق است و پشتیبانی مالی از محقق موجب می‌شود کسی که محقق را پشتیبانی کرده است، در منافع اقتصادی اثر با او شریک می‌شود، ولی شاعر مالکیت محقق به قدری نیست که از نظر اخلاقی مجاز به کتمان اثر پژوهش باشد. اصولی که از مسئولیت‌پذیری ناشی می‌شوند در حقیقت برآمده از ترکیب بینش‌های محقق از خویشتن با فواید نشر دانش است. نشر دانش حتی بدون کاربرد برای جامعه انسانی مفید است به این معنا موجب اصلاح و توسعه دانش، حفظ و انباست سرمایه علمی و تشکیل جامعه علمی می‌شود و محقق به عنوان یک انسان موظف به خیرخواهی، رنج‌زدایی و سودرسانی به دیگر انسان‌هاست. در مقام یک دانشمند به خداوند متعال و بندگان او متعهد است و به عنوان انسان بخوردار خود را موظف به شکرگزاری از خداوند صاحب نعمت و قدردانی از مردم به عنوان مباری و مقدمات نعمت می‌داند. پس نسبت به نتایج و پیامدهای تحقیقیش مسئول است و با این که از منظر حقوق می‌تواند از افسای نتیجه کار خویش جلوگیری کند، از نظر اخلاق، موظف است در صورتی که نتیجه تحقیقیش را برای جامعه مفید می‌داند به نشر آن اقدام کند. بر مبنای این اصول، در موقعیتی که نتیجه پژوهش خود را برای جامعه یا عصر و نسل خاصی زیان‌آور می‌داند باید با محدود ساختن گزارش اثرش راه زیان به آن‌ها را بیندد و در صورتی که نتیجه تلاشش را برای جامعه مفید می‌داند. با مراعات اصول ذیل به نشر و گزارش آن اقدام نماید: در گزارش خود صادق باشد و از جعل و تحریف پرهیزد. با شجاعت در برابر خواسته‌های ارباب نفوذ، ثروت و قدرت ایستادگی کند. حقوق کسانی را که به هر صورتی در موقوفیت او دخیل بوده‌اند در گزارش خود یادآوری کند. در گزارش خود به اصطلاح اهل فن سخن بگوید و نقد ناقدان را با روی گشاده پذیرد.

فهرست منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق). (۱۳۶۲). خصال. (تحقيق: علی اکبر غفاری). تهران: جامعه مدرسین؛ انتشارات أعلمی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق). (۱۳۷۶). امالی. (چاپ ششم). تهران: کتابچی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق). (۱۳۷۸). عيون أخبار الرضا عليه السلام. (تحقيق و تصحیح: مهدی لاجوردی). تهران: نشر جهان.
- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق). (۱۴۰۶). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال. (چاپ دوم). قم: دار الشریف الرضی للنشر.
- أبو حبیب، سعدی. (۱۹۸۸ - ۱۴۰۸ م). القاموس الفقهي. (چاپ دوم). دمشق: دار الفكر.
- اسلامی اردکانی، سید حسن. (۱۳۸۴). اخلاق نقد و فرهنگ نقادی. پژوهش و حوزه. شماره ۲۳ و ۲۴. ص ۱۰۸ - ۱۴۲.
- آریان پور، امیر حسین. (۱۳۵۵). کار پژوهش. مقالات و بررسی‌ها. شماره ۲۵ و ۲۶. از، ص ۶۸ تا ۱۲۱.
- بی‌ی. ارل، (۱۳۷۸). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. (ترجمه: رضا فاضل). (چاپ پنجم). تهران: انتشارات سمت.
- پشیریه، حسین. (۱۳۷۸). تاریخ اندیشه سیاسی قرن بیستم. تهران: نشر نی.
- پاشا سریفعی، حسن و شریفعی. (۱۳۸۹). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. (چاپ هفتم). تهران: انتشارات سخن.
- توکل، محمد و ناصری راد. محسن. (۱۳۸۸). دستبرد علمی با تبیینی از جامعه شناسی علم. اخلاق در علوم و فناوری. دوره ۴. ش ۳-۴، ص ۱-۱۶.
- تهرانی، مجتبی. (۱۳۹۱). اخلاق الهی. (تدوین و تحریر: محمد رضا جباران). تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جباران، محمد رضا. (۱۳۹۶). درباره اخلاق تولید علم. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جوهری، الصحاح. (۱۹۸۷ - ۱۴۰۷). تصحیح أحمد عبد الغفور العطار. (چاپ چهارم). بیروت: دار العلم للملائیین.
- حرّانی، ابن شعبه. (۱۳۶۳). تحف العقول. (تحقيق علی اکبر غفاری). (چاپ دوم). قم: جامعه مدرسین.
- حسن زاده. رمضان. (۱۳۸۹). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. (چاپ نهم). تهران: نشر ساوالان.
- حکمت نیا. محمود. فکری. (۱۳۸۵). فقه و حقوق. ش ۸، ص ۸۹ - ۱۰۴.
- حکمت نیا، محمود. (۱۳۸۴). مروری بر حقوق اخلاقی مالکیت فکری و مبانی اعتبار آن. فقه و حقوق. ش ۵، ص ۴۳ - ۶۴.
- حکمت نیا، محمود. (۱۳۸۶). مبانی مالکیت فکری. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- حليمي، عمران. (۱۳۸۴). مالكيت معنوي از ديجاه مذاهب اسلامي. مجلة طلوع، ش ۱۶، ص ۶۱-۸۴.
- خوانساری، جمال الدين محمد. (۱۳۶۶). شرح فارسي غر و درر آمدی. (تصحيح: سيد جلال الدين محدث). تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه.
- ديلمي، حسن بن ابي الحسن. (بي تا). اعلام الدين في صفات المؤمنين. قم: تحقيق و نشر مؤسسه آل البيت(ع).
- ذاكر صالحی، غلامرضا. (بي تا). تقلب علمي. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگي و اجتماعي.
- رات بلات، جوزف. (۱۳۹۸). برادری بين المللی و وجدان اجتماعی دانشمندان. (ترجمه ع. فخر یاسري).
- ماهنشامه موقفيت، ش ۴، دی. ص ۵-۱.
- سيوطى، عبدالرحمان بن ابي بكر. (۱۴۱۰ق). الجامع الصغير. بيروت: دارالفكر.
- شريعتمداري، علي. فلسفة. (چاپ ششم). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامي.
- شريف رضي، محمد بن حسين. (۱۴۱۴ق). نهج البلاغة (صبعي صالح). قم: انتشارات هجرت.
- شريف رضي، محمد بن حسين. (بي تا). المجازات النبوية. (تحقيق و شرح: طه محمد الزيني). قم: منشورات مكتبة بصيرتى.
- طبرسى، ابوالفضل على. (۱۳۸۵ق). مشكاة الانوار في غر الاخبار. (تحقيق: صالح جعفرى). (چاپ دوم). تهران: کتابخانه حيدري.
- طبرسى، حسن بن فضل. (۱۳۹۲ق). مكارم الاخلاق. (چاپ ششم). قم: منشورات الشريف الرضي.
- طبرسى، فضل بن حسن. (۱۴۲۰ق). جوامع الجامع. قم: تحقيق و نشر جامعه مدرسین.
- طوسى، محمد بن حسن. (بي تا). امامي. (تحقيق: مؤسسه بعثت). قم: دارالثقافه.
- طيلassi، سليمان بن داود. (بي تا). مستند اى داود طيلassi؛ بيروت: دارالمعرفه.
- عربيان، جواد. حقوق مالكيت هاي فكري. (۱۳۸۲ق). تهران: معاونت پژوهشي. انتشارات پژوهشکده امام خميني و انقلاب اسلامي.
- فاينمن، ريجارد. (۱۳۸۵ق). تأثير علم در اندیشه. (ترجمه: همایون صنعتی زاده). تهران: نشر فروزان.
- مايور، فدریکو. علم و قدرت. (۱۳۷۷ق). (ترجمه: پریدخت وحیدی). تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- فيض كاشاني، ملا محسن. (بي تا). محجة البيضاء. (تصحيح: على اكبر غفارى). قم: جامعه مدرسین.
- قزويني، محمدبن يزيد. (بي تا). ستن ابي ماجه. (تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي). بيروت: دار الفكر.
- قلعهجي، محمد. (۱۴۰۸ق). معجم لغة الفقهاء. (چاپ دوم). بيروت: دار النفائس.
- کالدول، بروس. (۱۳۸۸ق). چالش هايک. (ترجمه: غلامرضا آزاد ارمکي و امير آزاد ارمکي). تهران: نشر نى.
- کليني، محمد بن يعقوب. (۱۳۴۸ق). کافي. (چاپ دوم). تهران: درالكتب الاسلاميه.
- کيوي، ريمون و کامپنهود. لوك وان. (۱۳۸۷ق). روش تحقيق در علوم اجتماعي. (ترجمه: عبدالحسين نيك گهر). (چاپ سوم). تهران: انتشارات توپيا.

لیثی واسطی. علی بن محمد. (۱۳۷۶). *عيون الحكم والمواعظ*. (تحقيق: حسين حسيني بيرجندی). قم: دارالحدیث.

مجلسی، محمد باقر (علامه مجلسی). (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. (چاپ دوم). بیروت: مؤسسه الوفاء.
 مروارید. علی اصغر. (۱۴۱۰ق). *الینایع الفقهیة*. بیروت: دارالتراث.
 معا، مهدی. (بی‌تا). *اخلاق زیستی در نظام فقهی- حقوقی اسلام*. پایان نامه دکتری با راهنمایی محمود حکمت‌نیا و مشاوره ابوالقاسم علیدوست. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 منصوریان، بیزان. (۱۳۹۳ق). *پاسداشت «اخلاق پژوهش» با احترام به حقوق همه (ذینفعان)*. پژوههای تحقیقاتی. کتاب ماه کلیات. ۱۳۹۳، ش. ۱۹۷. از ۲۷ - ۳۳.
 موسوی خمینی، مصطفی. (۱۴۱۸ق). *تفسیر القرآن الکریم*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
 نورمحمدی، حمزه علی. (۱۳۹۳). سرقت علمی؛ مصاديق و راهکارها. کتاب ماه کلیات. ش. ۵. ص. ۶ - ۹.
 نوری، میزار حسین. (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل*. قم: تحقیق و نشر مؤسسه آل البيت (ع).
 واپینگر، هندری. (۱۳۸۵ق). *هیچکس کامل نیست*. (ترجمه: پریچهر معتمد گرجی). تهران: نشر مروارید.

هروی، جواد. (۱۳۸۹). *روش تحقیق و پژوهش علمی در تاریخ*. (چاپ دوم). تهران: امیرکبیر.
 هویت، دنیس و کرامر. دانکن. (۱۳۸۹). *مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق در روانشناسی و مشاوره*. (ترجمه: حسن پاشا شریفی و دیگران). تهران: انتشارات سخن.

McLean, S. A. M. (Ed.). (2016). *First Do No Harm: Law, Ethics and Healthcare* (1st edition). Routledge.

Shamoo, A. E., & Resnik, D. B. (2014). *Responsible Conduct of Research* (3rd edition). Oxford University Press.